

زورگیری به خاطر هیجان و عشق به موتورسواری



شناسه خبر : ۱۴۰۹۸۹ سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳ - ۰۸:۰۵

عاملان سرقت گوشی تلفن همراه در پل صدر در حالی با دست و پاهای گره خورده در زنجیر آهنی برای بازسازی صحنه جرم به محل حادثه منتقل شدند که پشیمانی و ترس از مجازات در چهره‌شان موج می‌زد.

به گزارش موج خبر، ساعت ۱۰ صبح دوشنبه، حضور خودروهای پلیس، مأموران و خبرنگاران در محدوده پل صدر و خیابان قیطریه توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کرد. دقایقی بعد از داخل یک خودرو ون سه پسر ۱۸، ۱۹ و ۲۰ ساله در حالی که با دستبند و پابند آهنی به هم متصل شده بودند، بیرون آمدند. آنها سعی داشتند صورت‌هایشان را مقابل دوربین‌های خبرنگاران مخفی کنند.

چند روز قبل آنها در همین محل در حالی که سوار دو دستگاه موتورسیکلت بودند راه را بر راننده یک خودرو ال ۹۰ سد کردند و با تهدید قمه و چاقو گوشی گران‌قیمت راننده را سرقت کرده و گریختند.

راننده یک خودرو دیگر که این صحنه‌های خشن را فیلمبرداری کرده بود آن را در فضای مجازی منتشر کرد و سر نخ دستگیری این سارقان را به پلیس داد. متهمان صبح یکشنبه پس از عملیات ویژه و شبانه‌روزی پلیس در شهرستان محمودآباد دستگیر شدند.

متهمان جزئیات این سرقت را مقابل دوربین خبرنگاران و عکاسان و در حضور سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ و سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت بازسازی کردند و انگیزه خود از این سرقت را افشا کردند.



اظهارات مالباخته

ترس و نگرانی هنوز در چهره‌اش نمایان است، به محض مشاهده سارقان این حس در او بیشتر می‌شود. مرد میانسال در رابطه با روز حادثه به خبرنگار ما گفت: در مسیر رفتن به محل کارم و در ترافیک صبحگاهی بزرگراه صدر مسیر شرق

به غرب داخل خودرو نشست و گوشی ام را دستم گرفته بودم تا در ترافیک یک سری کارهای شخصی ام را انجام دهم.

ناگهان دو مرد جوان که قمه به دست داشتند یکی از سمت شاگرد و دیگری از سمت راننده در خودرو را باز کرده و به من حمله کردند.

آنها با قمه به من می زدند و هر لحظه ممکن بود که یکی از آن ضربات به سر و صورتم اصابت کند. گوشی تلفنم آیفون ۱۳ پرومکس بود، تلاش می کردم گوشی را به آنها ندهم. داخل گوشی شماره های شخصی ام و فایل های کاری بود که برایم خیلی ارزش داشت. اما در نهایت تسلیم آنها شدم و به محض اینکه گوشی را به سارق که در سمت راننده بود، دادم آنها فرار کردند. همزمان صدای شلیک گلوله هم به گوشم رسید که تصور کردم سارقان برای ایجاد رعب و وحشت و اجرای نقشه شان تیراندازی کرده اند.

این دومین بار است که تلفن همراهم به سرقت می رود.

دفعه قبلی سارقان دستگیر نشدند. اما این بار پلیس در مدت چند روز آنها را بازداشت کرد.

یکی از افرادی هم که برای تماشای بازسازی صحنه جرم در محل حضور داشت، گفت: یکی از دوستانم آن روز شاهد ماجرای سرقت بوده است. زمانی که فیلم در فضای مجازی منتشر شد، به من گفت آن روز آنجا بوده است. خیلی خوب است که به این سرعت متهمان را دستگیر کرده اند و امیدوارم سارقان و مجرمان دیگر درس عبرت بگیرند.

شاید از کشور خارج می شدیم

تا کلاس هفتم بیشتر درس نخوانده و بعد از آن وارد بازار کار شده است. حسام، همان سارقی است که با تهدید چاقو، گوشی تلفن همراه شاکی را سرقت کرده است.

چه شد در میان این همه خودرو، خودرو شاکی را برای سرقت انتخاب کردید؟

روز حادثه در بزرگراه صدر دنبال سوژه مناسب برای سرقت بودیم، ناگهان چشمانم به خودروی ال ۹۰ افتاد که تنها یک سرنشین داشت و در خودرو از داخل باز بود و گوشی گران قیمتی دست شاکی بود.

به محض اینکه در ترافیک توقف کرد من از موتور پیاده شدم و به سمتش رفتم و با تهدید چاقو گوشی را سرقت کردم.

بعد از سرقت چه کار کردید؟

سوار موتور فرار کردیم و به سمت پایین شهر رفتیم و گوشی آیفون شاکی و گوشی آیفون دیگری را که همان روز و چند دقیقه قبل تر در خیابان نیاوران سرقت کرده بودیم، یکی را ۷ میلیون و دومی را ۱۲ میلیون تومان فروختیم.



فکر می کردی فیلمت منتشر شود و دستگیر شوی؟

فکرش را هم نمی کردم ممکن است فیلمم منتشر شود و روزی خودم هم آن را ببینم.

کی فیلم سرقت خودتان را دیدید؟

دو روز بعد از سرقت بود که در شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی و اینستاگرام فیلم سرقتمان را دیدیم.

چه حسی با دیدن این فیلم بهت دست داد؟

حس اشتباه و پشیمانی. ترس تمام وجودمان را گرفته بود و آرزو می‌کردیم زمین دهان باز کند، اما زمان به عقب بر نمی‌گشت.

تصورش را حتی در خواب هم نمی‌کردیم که به این صورت مشهور شویم.

چه شد که تصمیم به سرقت گرفتید؟

سردسته باند ما که الان اینجا نیست، زیر پایمان نشست. با بچه‌ها در پارک جمع می‌شدیم و او هم خودش را وارد جمع می‌کرد و از پول خوب کار خلاف برایمان می‌گفت.

پدرام می‌گفت از هر سرقت ۱۰ میلیون تومان گیرمان می‌آید و سهم هر کدام ۲.۵ میلیون تومان می‌شود. پول کمی نبود همین موارد ما را وسوسه کرد.

هر روز برای سرقت می‌رفتید؟

هفته‌ای یکبار. کلاً ۵ گوشی سرقت کردم که سه تا سامسونگ بود و دو تا آیفون، از این سرقت‌ها هم حدود ۸ میلیون تومان گیرم آمد.

چه شد به شمال رفتید؟

از ترس، فکر کردیم اگر از تهران خارج شویم، گیر نمی‌افتیم. ویلایی در محمودآباد اجاره کردیم و روز سوم ساعت ۶ صبح، دور هم جمع شده بودیم و مشغول صحبت بودیم که مأموران را جلوی خودمان دیدیم. احتمال داشت از کشور خارج شویم و در برنامه‌هایمان بود.

همیشه چاقو به همراه داری؟

چاقو را پدرام داده بود، گفت برای سرقت همراهات باشد تا شاکی بترسد و مقاومت نکند. به پیشنهاد پدرام، هر زمان که برای سرقت می رفتیم قرص آرامبخش می خوردیم. نمی دانم ولی زمانی که قرص را می خوردم حس قدرت به من دست می داد و کمتر به عواقب کاری که انجام می دادم فکر می کردم.

به عنوان یک مجرم چه توصیه ای برای مردم داری که به دام امثال شما گرفتار نشوند؟

درهای خودرو را قفل کنید و شیشه ها را بالا بدهید. با گوشی در خودرو و خیابان صحبت نکنید، رعایت این موارد باعث می شود که هیچ سارق سرافغان نیاید.

اگر کسی با خودت این کار را می کرد، چه درخواستی از قانون داشتی؟

چرا دروغ بگویم، باید متهمان را مجازات کنند، اما حکم چندان سنگینی نباید داد، برای اینکه سابقه ندارم و پشیمان هستم. جرمی که خیلی سنگین نباشد اما درس عبرت شود تا شخص دیگری این کارها را انجام ندهد.

اگر دستگیر نمی شدی باز هم ادامه می دادی؟

من سرقت آنچنانی انجام ندادم و تصمیم به ادامه هم نداشتم، برای اینکه پولش خوب نبود و چیزی از این سرقت ها گیرمان نمی آمد جز ترس و استرس.



اجاره موتورسیکلت برای سرقت

متهم بعدی نقش مراقب را در سرقت داشته و عاشق هیجان است، به طوری که دلش می خواست روزی آتش نشان شود، اما الان رفیق دزد هاست و با آنها راهی سرقت می شود.

موتورهایی که برای سرقت استفاده می کردید سرقتی بود؟

پدرام موتورها را روزانه کرایه می کرد. برای هر موتور ۵ میلیون تومان و ما هم در سرقت ها پلاک موتورها را می پوشانیدیم و بعد از سرقت موتورها را به صاحبانشان برمی گردانیدیم.

چه شد وارد سرقت شدی؟

من عاشق هیجانم و البته پول نقش اصلی را داشت. ۱۲ سالم بود که ساختمان پلاسکو آتش گرفت، زمانی که فیلم های تلاش آتش نشانان را از تلویزیون می دیدم دلم می خواست آتش نشان شوم. حتی برای این کار هم اقدام کردم اما چون سربازی نرفته بودم نتوانستم به آرزویم برسم.

تو در سرقت چه نقشی داشتی؟

به عنوان موتور پشتیبان با موتوری که نقشه سرقت داشت، می رفتم. من کمی پایین تر می ایستادم و زمانی که همدستم سرقت را انجام می داد اگر با مشکل مواجه می شد به کمکش می رفتم. من همان شخصی بودم که وقتی حسام گوشی را سرقت کرد و سوار موتور شد چند لحظه بعد من هم دوان دوان سوار موتور دوم شدم.

خالکوبی روی دستت چیست؟

یک مکان خاص در ژاپن است که آن را روی دستم خالکوبی کرده ام، آرزو دارم به ژاپن سفر کنم. می خواستم پول های دزدی را جمع کنم و سفری به ژاپن داشته باشم.

از ۸ سالگی موتور می راندم

۱۸ سال دارد و این دومین بار است که دستبند پلیس روی دست هایش قرار می گیرد. در سرقت ها نقش راننده را به عهده داشت.

کی از زندان آزاد شدی؟

۴ ماه هم نمی شود.

به چه جرمی بازداشت شده بودی؟

همین گوشی قاپی، ۶ گوشی سرقت کردم و حکمی که برایم صادر شد ۱۲ سال و ۶ ماه حبس بود. ۸ ماه از حبسم را که تحمل کردم با سند آزاد شدم.

تو که قبلاً بازداشت شده بودی و می دانستی عاقبت سرقت چیست، چرا دوباره سمتش رفتی؟

گول خوردم. گول رفیق. گول دست فرمانم را خوردم. از ۸ سالگی پشت فرمان موتورسیکلت نشستم و چون عاشق موتورسواری بودم، دست فرمانم خیلی خوب شد. سر دسته گروه که اینجا نیست، مدام از دست فرمانم تعریف کرد و اینکه حیف است از دست فرمانت استفاده نکنی، خلاصه گول خوردم.

پشیمانی؟

واقعاً پشیمانم و به تمام کسانی که سرقت می کنند یا می خواهند سرقت کنند، می گویم چنین کاری انجام ندهید چون آخرش بدبختی است. هر چقدر پول به دست بیاوری هزار برابرش را باید با عذاب پس بدهی.

چقدر درس خوانده‌ای؟

کلاً دو کلاس بیشتر سواد ندارم، بعد از آن به خاطر شرایط بد خانوادهم در موتورسازی مشغول کار شدم.



قدردانی از شهروندی که از صحنه جرم فیلم گرفت

سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در جمع خبرنگاران گفت: ما از شهروندی که توانست صحنه وقوع جرم را تصویربرداری کند سپاسگزاریم، چرا که با انتشار آن به همکاران انتظامی برای دستگیری متهمان کمک کرد. زمانی که پلیس از این حادثه با اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مطلع شد در تلاش شبانه روزی با کارآگاهان در کمتر از ۲۴ ساعت توانستیم این افراد را در مخفیگاهشان پیدا کنیم. این افراد به دلیل ترس از شناسایی شدن از تهران متواری و در استان دیگری مخفی شده و ارتباطشان را با همه قطع کرده بودند. اما تجربه و تجهیزات پلیس باعث دستگیری و انتقال آنها شد. این گونه سرقت ها که با تهدید سلاح رخ می دهد مجازات سنگینی در حد محاربه دارد. دستگاه قضایی با توجه به نوع سرقت، اشد مجازات را برای متهمان در نظر خواهد گرفت و امیدواریم این پرونده درس عبرتی برای سایر مجرمین باشد و بدانند دیر یا زود به دام قانون گرفتار می شوند.

سردار محمدیان با اشاره به اینکه مردم باید به پلیس اطمینان داشته باشند، گفت: همچنین شهروندان باید فرصت را از سارقین بگیرند و در خودرو از مواردی مانند قفل کودک استفاده کنند تا از وقوع چنین اتفاقاتی جلوگیری شود. دادستانی بلافاصله اعلام جرم کرد و دستور قضایی برای دستگیری متهمان و رسیدگی به پرونده در اسرع وقت صادر

شد. وی درباره صدای تیراندازی در محل سرقت نیز گفت: تیراندازی توسط مأموری که در مأموریت نبوده اما با فاصله متوجه سرقت شده، رخ داده است.

منبع: روزنامه ایران

انتهای پیام/